



کسب و کار حرفه حسابرسی

انسان همواره در پی ایجاد ساختارهایی جدید در جامعه و زندگی بشری است و هر ساختار جدیدی نیازهای جدیدی را در جامعه فراهم خواهد کرد. یکی از ساختارهایی که بشر به جامعه معرفی کرده است و براساس نیازهای شخصی و تأمین نیازهای اقتصادی آن بنا شده است کسب و کار است. کسب و کار به افراد جامعه کمک می‌کند نیازهای یکدیگر را مرتفع ساخته و سعی در خلق ثروت نمایند.

نویسندگان مختلف، تعاریف متفاوتی از کسب و کار دارند. در واژه‌نامه آکسفورد، کسب و کار به معنی خرید و فروش و تجارت آمده است. در واژه‌نامه لانگمن، کسب و کار به فعالیت پول درآوردن و تجارتي که از آن پول حاصل شود، گفته می‌شود. به

مریم دلبيسته

دکتر علیرضا آقايي قهي

زبان ساده، کسب و کار عبارت است از حالتی از مشغولیت و به‌طور عام، شامل فعالیت‌هایی است که تولید و خرید کالا و خدمات با هدف فروش آنها را به‌منظور کسب سود، در برمی‌گیرد.

طبق نظر «ارویک و هانت» کاری که در آن خدمات یا کارهایی که دیگر افراد جامعه به آن نیاز دارند و مایل به خرید آن هستند و توان پرداخت بهای آن را دارند، تولید، توزیع و عرضه می‌شود. کسب و کار عبارت است از هر نوع کسب.

پترسن و پلومن بر این باورند که هر تبدالی که در آن خرید و فروش صورت گیرد، کسب و کار نیست، بلکه کسب و کار، هر نوع تبادل تکراری و تجدید شونده خرید و فروش است. پروفیسور «اون»، کسب و کار را یک نوع کاسبی می‌داند که طی آن کالا یا خدمات برای فروش در بازار تولید و توزیع می‌شوند.

بنابراین با توجه به تعاریف یاد شده می‌توان دریافت که کسب و کار با خرید و فروش کالا، تولید کالا یا عرضه خدمات، به‌منظور به‌دست آوردن سود، سر و کار دارد. با توجه به تعاریف یاد شده، ویژگی‌های کسب و کار، عبارتند از:

۱. فروش یا انتقال کالا و خدمات برای کسب ارزش
۲. معامله کالا و خدمات
۳. تکرار معاملات
۴. انگیزه سود (مهمترین و قدرتمندترین محرک اداره امور کسب و کار)
۵. فعالیت توأم با ریسک، کسب و کار، همیشه بر آینده متمرکز است و عدم اطمینان، ویژگی آینده است. از این رو، همواره کسب و کار توأم با ریسک است

پس با تعریف کسب و کار متوجه خواهیم شد که نیازهای جامعه براساس خواسته‌های طرفین که زمینه مصرفی یا استفاده ابزاری دارد توسط سایر افراد

حاضر در جامعه تأمین خواهد شد که این مراوده همراه با انگیزه اقتصادی است که تأمین می‌شود. همانگونه که در تئوری‌های حسابداری و تحقیقات حسابداری و حسابرسی انجام شده توسط پژوهشگران گفته شده است، حسابداری و حسابرسی خدماتی کارساز و اثربخش و اطمینان‌بخش است که افراد یک جامعه به‌عنوان بخشی از نیازهای اطلاعاتی خود حاضر به پرداخت هزینه برای آن هستند.

همانطور که مشتریان برای استفاده از یک محصول خاص به برچسب استاندارد آن نگاه می‌کنند و اقدام به خرید محصول می‌کنند در استفاده از اطلاعات مالی نیز از این برچسب به‌گونه‌ای دیگر و با نگاهی عمیق‌تر بهره می‌برند. وضع استاندارد برای یک محصول هزینه دارد و نبود آن، استفاده از آن محصول را برای مشتری با تردید همراه می‌سازد. در مقابل محصولی که فاقد برچسب استاندارد است، در شرایط یکسان مشتری‌ای که حاضر باشد بهای آن کالا را که یکسان با کالایی که دارای برچسب استاندارد باشد پردازد، وجود نخواهد داشت، مگر آنکه آن کالا با قیمت پایین‌تر عرضه شود و برای مشتری مطلوبیت ایجاد کند. این تفاوت قیمت بین کالای فاقد استاندارد و دارای برچسب استاندارد هزینه‌ای است که مشتری حاضر به پرداخت آن است تا با خیال راحت محصولی را مصرف کند. با الهام از این مفهوم می‌توان به اطلاعات مالی مورد استفاده مشتریانی که از این اطلاعات یا صورت‌های مالی بهره می‌برند اشاره کرد. جایی که نیاز به اطلاعات مالی محرز شد و نیاز به خدمات حسابداری نیز شکل گرفت و مشتری حاضر به پرداخت بهای آن خدمات شد و در مقابل برای دریافت برچسب استاندارد یا تأیید این اطلاعات، حرفه حسابرسی پدیدار شد و مشتری حاضر به پرداخت مبلغ بیشتری برای دریافت اطلاعات

مالی استاندارد شده داشت.

پس هر جایی که صحبت از تأمین نیاز بشر می‌شود به گونه‌ای بحث انگیزه اقتصادی نیز مطرح می‌شود.

براساس تعریفی که نیچل از حسابرسی داشته است حسابرسی به شرح زیر تعریف می‌شود:

حسابرسی نوعی خدمت حرفه‌ای با انگیزه اقتصادی است که با هدف کاهش ریسک اطلاعاتی ذی‌نفعان طراحی شده است، متکی به دانش و مهارت کارشناسان به خدمت گرفته شده در یک فرایند نظام‌مند است که نیازهای فردی یک ارباب‌رجوع را در نظر می‌گیرد و پیامدهای آن غیرقابل مشاهده بوده است و منوط به محدودیت‌های بازار و فشارهای نظارتی است.

حرفه حسابرسی حرفه‌ای است اطمینان‌بخش همراه با انگیزه اقتصادی! به عبارتی فردی که به‌عنوان حسابرس برای یک شرکت انتخاب می‌شود همواره سعی در تأمین نیاز مشتریان خود را دارد و برای این خدمت طلب تأمین نیاز اقتصادی دارد. پس می‌توان حرفه حسابرسی را نیز همانند سایر حرفه‌ها یک نوع کسب و کار تلقی کرد. کسب و کار خدماتی که صرفاً در تأمین نیاز اطلاعات مالی استاندارد شده و مطمئن در جامعه فعالیت می‌کند. پس هر جایی که صحبت از خدمات حسابرسی یا اطمینان‌بخشی می‌شود نباید انگیزه اقتصادی آن نادیده گرفته شود.

حرفه حسابرسی همانند سایر حرفه‌ها علی‌رغم ارائه خدمات اطمینان‌بخشی، حرفه‌ای اقتصادی و در جهت کسب درآمد و انگیزه اقتصادی محسوب می‌شود. علی‌رغم اینکه در حرفه‌های دیگر بازاریابی، تبلیغات و برندسازی و معرفی برند هیچ مشکل اخلاقی و قانونی ندارد ولی حرفه حسابرسی به‌دلیل اینکه خدمات



و خدمات غیراطمینان‌بخش در حرفه حسابرسی سبب می‌شود که مؤسسات در جهت کسب درآمد و پوشش هزینه‌های مؤسسه اقدام به پیشنهاد قیمت‌های پایین داده شود تا بتوانند کارهای حسابرسی را جذب کنند.

بخش دیگری از نرخ‌شکنی‌ها مربوط می‌شود به بداخلاقی‌های حرفه‌ای که در این مقاله جای بحث آن نیست و در مقاله‌ای جداگانه به پیدایش و آثار آن خواهیم پرداخت. به نظر می‌رسد بالابردن دانش کسب و کار اهالی حرفه در کنار تخصص امری بدیهی باشد تا مؤسسات و اهالی حرفه حسابرسی بتوانند در کنار خدمات اطمینان‌بخش به سایر بازارها توجه داشته باشند. البته که بخش بزرگی از ایجاد بازارهای خدمات مالی و غیراطمینان‌بخش از الزامات حکومتی و دولتی نشأت خواهد گرفت ولی بخش بزرگتری از قیمت‌گذاری ناصحیح توسط خود اهالی حرفه است که می‌بایست فرهنگ‌سازی شود و اجرای درست آن در جامعه حرفه حسابرسی در دستور کار قرار گیرد. ■

دکتر علیرضا آقائی قهی: حسابدار رسمی - حسابدار مستقل
مریم دلپسته: سرپرست حسابرسی

فرد نمی‌تواند در برابر فشارهای انگیزشی در جذب کار، موفق باشد؛ مگر اینکه این فرد در ذات خود چنین تجربه‌ای (کاسب مسلکی) را پرورش داده باشد تا بتواند در این حوزه موفق باشد. یکی دیگر از این ضعف‌ها که تا حدودی در مورد اول نیز می‌توان یافت، نبود دروس کسب و کار و فعالیت اقتصادی شرکتی و شرکت‌داری اهالی حرفه است. در آزمون‌های جهانی حسابدار رسمی نظیر آمریکا از داوطلبان دروس کسب و کار نیز آزمون به‌عمل می‌آید یعنی فرد، علاوه بر دروس تخصصی و قوانین و مقررات، می‌بایست با نحوه کسب و کار نیز آشنا شود و بازارها و نحوه قیمت‌گذاری‌ها از جمله پیشنهاد قیمت در قراردادهای آموزشی دیده باشد، چرا که اگر این فرد وارد حرفه شود و به‌عنوان مؤسسه‌دار فعالیت کند نمی‌تواند در حرفه مفید واقع شود چرا که امکان لطمه زدن در حرفه از طریق نرخ‌گذاری ناصحیح را خواهد داشت. دیگر دلیلی که می‌توان در این حلقه مفقوده یافت عدم تنوع‌بخشی در خدمات حرفه‌ای است چرا که مدیران شرکت‌ها آنقدر که برای خدمات غیراطمینان‌بخش (حسابرسی داخلی و خدمات مالی) هزینه می‌کنند، برای خدمات اطمینان‌بخشی (حسابرسی مستقل) هزینه نمی‌کنند! پس عدم توجه به بازار خدمات مالی

اطمینان‌بخشی ارائه می‌کند امکان ایجاد تبلیغات و برندسازی و معرفی برند وجود ندارد ولی موردی که این حرفه را از سایر حرفه‌ها جدا کرده است، بحث انگیزه اقتصادی و نحوه تأمین آن است که تأثیر مستقیمی بر کیفیت خدمات قابل ارائه خواهد داشت. در بسیاری از حرفه‌ها یکپارچگی قیمت‌گذاری و تعیین حق‌الزحمه امری عادی و معقول و درخور حرفه‌هایشان است لیکن در حرفه حسابرسی، نرخ‌شکنی و اعلام نرخ‌های نامتعارف زبانه‌زد اهالی این حرفه نوپا است. بعضاً تفاوت نرخ‌های اعلامی از سوی مؤسسات حسابرسی، تفاوت‌های چندبرابری با یکدیگر دارد که در این خصوص دلایل متعددی در اعلام نرخ‌های نامتعارف وجود دارد.

در حرفه حسابرسی، فرد از بدو ورود به این حرفه مجبور است رفتار کارمندی داشته باشد، چرا که در خوش‌بینانه‌ترین حالت، هر حسابرس باید حداقل ۹ سال از عمر حرفه‌ای خود را به‌صورت کارمندی در مؤسسات حسابرسی یا سازمان حسابرسی سپری کند تا بتواند به‌عنوان فردی مستقل یا کارفرما به‌عنوان شریک در مؤسسات کار کند. پس سابقه ۹ ساله این فرد، توان حرفه‌ای بودن در کسب و کار را نخواهد داشت و توان انعطاف‌پذیری در کسب و کار را نخواهد داشت پس این